

## مقایسه رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین کودک خودمانده و کودک عادی

جبار صالح<sup>۱</sup>

کیوان کاکا برایی<sup>۲</sup>

غلامعلی افروز<sup>۳</sup>

مسعود غلامعلی لواسانی<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر باهدف بررسی مقایسه‌ای رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین کودک خودمانده و کودک عادی انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و گردآوری اطلاعات علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه والدین کودکان خودمانده و والدین کودکان عادی که فرزند آن‌ها در مدارس ابتدایی در سال ۱۳۹۵ در شهر کرمانشاه مشغول به تحصیل بودند. والدین کودک خودمانده (۵۰ پدر و ۵۰ مادر) به صورت نمونه‌گیری در دسترس و والدین کودک عادی (۵۰ پدر و ۵۰ مادر) به صورت نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز و الگوی ارتباط والد-فرزند باقری بود. **یافته‌ها:** نتایج به دست آمده با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره، نشان داد دو گروه والدین کودکان عادی و والدین کودکان خودمانده در همه زیر مقیاس‌ها رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری به استثنای نازپروردگی و مقبولیت مشروط تفاوت معنی‌دار وجود داشت. **نتیجه‌گیری:** با توجه به تفاوت بین رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری در دو گروه، طراحی و اجرای برنامه آموزشی سبک فرزندپروری و رضایت زناشویی برای زوج‌های جوان جهت پیشگیری از تولد کودک خودمانده ضروری به نظر می‌رسد.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت زناشویی، سبک فرزندپروری، والدین کودکان خودمانده و والدین کودکان عادی

### مقدمه

زیکادونا و ونوتی<sup>۴ (۲۰۱۴)</sup>. بسیاری از والدین کودکان با اختلال طیف خودمانده حتی در مقایسه با والدین کودکان دارای ناتوانی‌های دیگر، دچار استرس و اضطراب بیشتر و روابط رضایت‌بخش کمتری هستند (روبنز<sup>۵، ۲۰۰۹</sup>). خانواده دارای کودک خودمانده علاوه بر تحمل دردها و مشکلات فرزند مبتلای خود با چالش‌ها و رنج‌های مختلف دیگری نیز درگیر هستند. علاوه بر مشکلاتی از قبیل تأمین هزینه‌های سنگین درمانی، توان‌بخشی، آموزش و نگهداری، شاید به هم ریختن روابط اعضای خانواده به خصوص والدین است، اغلب والدین گزارش می‌کنند که در زندگی زناشویی به شدت دچار آشفتگی، سردرگمی، سردی عاطفی و سردی جنسی را همواره تجربه می‌کنند (فردریک و میراندا-لاین<sup>۶، ۲۰۱۱</sup>). بسیاری از والدین بسته به نگرش‌شان ممکن است در ارتباط با این کودکان به شیوه‌ای سهل‌گیر، حمایت‌گر یا مستبدانه برخورد کنند، این همان سبک فرزندپروری است که گروهی از والدین از روی آگاهی و

اختلال خودمانده از مهم‌ترین اختلالات حوزه عصبی-رشدی است که می‌تواند منجر به مشکلاتی در تفکر، احساس، زبان و توانایی ارتباط با دیگران گردد. این اختلال با دو معیار کلی نقص در تعامل اجتماعی و ارتباط اجتماعی و نیز رفتارها، علایق و فعالیت‌های محدود و کلیشه‌ای معرفی می‌شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۷، ۲۰۱۳</sup>). این اختلال افزون بر آنکه مانند بسیاری از اختلال‌های دیگر کودک را از مسیر رشد طبیعی خارج می‌کند. نظام خانواده که در رأس آن والدین قرار دارد نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. (هودری، آلدريد، ویگهام و همکاران<sup>۸، ۲۰۱۳</sup>). در واقع تولد هر کودک دارای ناتوانی مشکلات بسیاری را برای پدر و مادر به وجود می‌آورد. حال با توجه به ویژگی‌های کودکان با اختلال طیف خودمانده و خلق‌وخوی دشوار آن‌ها پرورش کودکی با این مشکلات تحولی، یک چالش مهم و منحصربه‌فرد برای هر دو والد است (اوزتورک،

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران.

۲. دکتری روان‌شناسی، دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه ایران؛ (نویسنده مسئول: ایمیل: keivan\_kv6@yahoo.com)

۳. دکتری روان‌شناسی استثنایی استاد ممتاز دانشگاه تهران. ایران.

۴. دکتری روان‌شناسی دانشیار دانشگاه تهران. ایران. تاریخ ارسال مقاله، ۱۳۹۶/۳/۷- پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۵/۴

۵. American Psychiatric Association

۶. Hudry, Aldred, Wigham, Green, Leadbitter, & Temple

۷. Ozturk, Riccadonna, & Venuti

۸. Rubens

۹. Fredrika & Miranda-Linne

بلومبرگ، ریس و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). گفته می‌شود که کمتر متغیری به اندازه فرزند، آهنگ و تعادل خانواده را به هم می‌ریزد. حال اگر این عضو جدید نارسایی هم داشته باشد و وضعیت از آنچه انتظار می‌رود بدتر خواهد شد (هیدا، جمیز هالی و هارون ابات<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). در گستره پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون سبک فرزندپروری برخی از پژوهشگران این موضوع را در بین افراد دارای ناتوانی مورد بررسی قرار دادند، برای مثال (یوسفی، سلطانی فر و عبدالهیان، ۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند مادران کودکان بیش‌فعال در مقایسه با مادران کودکان عادی اغلب از سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کنند. یافته‌های پژوهش سنایی (۱۳۹۲) نشان داد بین والدین دانش آموزان مبتلا به اختلال طیف خود مانده و والدین دانش آموزان عادی از نظر رضایت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. مغایر با این نتیجه پژوهش‌های متعدد دیگری بر تفاوت رضایت زناشویی در بین گروه‌های مختلف والدین دارای کودکان با نیاز ویژه تأکید کرده‌اند. (تیزو، ناردو، فراری و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴؛ لی، گراند، دل و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). با وجود این بر اساس بررسی‌های پژوهش‌گران هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری والدین کودکان با اختلال طیف خودمانده در داخل کشور انجام نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف مقایسه رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین کودکان خودمانده و عادی برای پاسخ‌دهی به این سؤال انجام شد که آیا بین رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین کودکان خودمانده و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

### روش:

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه والدین کودکان با اختلال خودمانده و والدین کودکان عادی در شهر کرمانشاه بود. ۱۰۰ والد (۵۰ پدر و ۵۰ مادر) دارای کودک خودمانده و ۱۰۰ والد (۵۰ پدر و ۵۰ مادر) دارای کودک عادی برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. والدین کودکان با اختلال خودمانده به روش

گروهی دیگر بدون آگاهی در چارچوب آن به فرزندان خود واکنش نشان می‌دهند. اگرچه ناتوانی فرزند به خودی خود می‌تواند بر نوع فرزندپروری والدین تأثیر بگذارد (رایا روئنتنر-البوارز، پینو و هروزو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳)؛ اما سبک فرزندپروری والدین دارای فرزند با ناتوانی به‌طور کلی والدین کودکان با اختلال طیف خودمانده به‌طور ویژه می‌تواند به‌وسیله عوامل بیرونی مانند وضعیت اقتصادی خانواده میزان پذیرا بودن جامعه نسبت به فرد ناتوان و هم به‌وسیله ویژگی‌های فردی خانوادگی شامل معنویت، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و مشکلاتی که از قبل در خانواده وجود داشته‌است (مثل افسردگی، مشکلات زناشویی و غیره) تحت تأثیر قرار گیرد (سنگیر، ۲۰۰۶). اینکه والدین می‌توانند بر رشد شخصیت فرزندشان بسیار اثرگذار باشند، امری آشکار است و همان‌گونه که یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند شیوه‌های مختلف فرزندپروری می‌تواند تأثیرات متفاوتی را بر رشد روانی، اجتماعی کودکان عادی یا ناتوانی و به‌تبع آن کودکان با اختلال طیف خودمانده داشته باشد (اصلان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). کودکان با اختلال طیف خودمانده به سبب نقص در تعاملات اجتماعی همواره با مشکلات بسیاری در زندگی روبه‌رو هستند، حال آنکه پژوهش‌های بسیاری تأثیر سبک فرزندپروری بر رشد مهارت اجتماعی را مورد تأیید قرار دادند (بار تولومو- مونتل، جرالودو، فیمنقی و ماکادو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). والدین کودک دارای اختلالات جسمی و ذهنی زندگی پراسترس را تجربه می‌کنند و همواره نیازمند خدمات مراقبتی و حمایتی مستمر دارند در چنین شرایط به‌شدت سلامت روانی این خانواده را تهدید می‌کند (گیالو، سیمور، متیوز و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). بدون شک رضایت زناشویی و اشتیاق به باهم بودن و همراه هم بودن تضمین‌کننده سلامت روانی زوجین است. رضایت زناشویی و میل به پیش بردن زندگی همراه صمیمیت و همدلی، در حفظ و تعادل زندگی مشترک بسیار مهم است باوجود این شرایطی پیش می‌آید که تعادل و همنوایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله مشکلات اقتصادی، تغییر یا از دست دادن شغل، بیماری، از کارافتادگی همسر، تولد فرزند به‌خصوص اگر دچار مشکلات جسمی و یا ذهنی حتی در سطح خفیف و... (سچیو،

۵. Hedda, James Hallie & Aaron Ebate

۶. Yousefi, Soltanifar & Abdolahian

۷. Tyzio, R, Nardou, Ferrari, Tsinteszadze, Shahrokhi, Eftekhari, & Benri

۸. Lee, Gradner, Dal, Sevansson, Gonlannti, Rai, D & Magnusson

۱. Aslan

۲. Bartholomeu, Montiel, Fiamenghi A & Machado

۳. Giallo, Seymour, Matthews, Gavidia-Payne, Hudson & Cameron

۴. Schieve, Blumberg, Rice Visser & Boyle

زناشویی، فکریهای شخصی، فکریهای ارتباطی و اجتماعی، روش حل مسئله، امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی، احساس و رفتار مذهبی، روش فرزندپروری، اوقات فراغت تعامل احساسی. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه به‌گونه‌ای که ماده‌های پرسشنامه چهارگزینه‌ای و در طیف لیکرت که به‌صورت کاملاً موافق = ۳، موافق = ۲، مخالف = ۱ و کاملاً مخالف = ۰ نمره‌گذاری می‌شود مجموع نمره‌های ۱۱۰ پرسش نمره کلی محسوب می‌شود و به روش زیر تفسیر می‌گردد. نمره بالای ۵۵ بسیار خوب ۴۴ تا ۴۵ متوسط، ۳۴ تا ۴۳ قابل تحمل، ۲۴ تا ۳۳ ناخوشایند و کمتر از ۲۴ غیرقابل تحمل است. پایایی پرسشنامه به روش آلفا کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۷ به دست آمد.

### ب. پرسشنامه الگوی ارتباط والد - فرزند (PCRPI)<sup>۲</sup>

این پرسشنامه توسط باقری (۱۳۹۱) تهیه و تدوین شد، پرسشنامه الگوی ارتباط والد - فرزند که شامل ۴۸ سؤال می‌باشد که هشت خرده مقیاس را می‌سجد که عبارت از انعطاف‌ناپذیری: در این سبک زندگی آنچه فرزند می‌پذیرد نشان‌دهنده، نظام ارزش‌ها و قواعد نیست بلکه یک تابعیت و پیروی از ترس و خطا است و نه توان تصمیم‌گیری، بنابراین فرزند فقط فرمان‌بردار است. تزلزل/تشتت: ارتباط فرزندان با والدین در این حالت ثابت ندارد و بر اساس یک قواعد و قانون نیست و در نتیجه پیش‌بینی آن دشوار است، خوشحالی، رضایت، عصبانیت و مهربانی با شدت بالا و سرعت تغییر می‌کند. از ویژگی این سبک زندگی ناهماهنگی پدر و مادر در ارزش‌ها، باورها و قواعد زندگی است. کنترل/محدودیت: والدین کنترل و محدودکننده می‌گویند نکن، چون اجازه نداری و اولویت اصلی والدین در این سبک زندگی در امان ماندن فرزندان از تهدیدهای مختلف است و تأکید بر اطاعت از والدین است. این سبک زندگی مانع از انجام تصمیم‌ها و انتخاب‌ها برای تحکیم باورها و ارزش‌ها در فرزندان می‌شود. نازپروردگی: والدین در این سبک زندگی نیز به فرزندان خود می‌گویند نکن اما نه به این دلیل که چون اجازه نداری بلکه به این دلیل که عزیزم تو نمی‌خواهد انجام دهی من خودم انجام می‌دهم و به فرزندان خود به‌جای هنر ماهیگیری، ماهی می‌دهند و فرزندان به شیوه گلخانه‌ای پرورش می‌یابند. رسمیت: از ویژگی‌های این سبک زندگی نوع ارتباط رسمی، برجسته نمودن حدود و مرزها، حرمت‌ها، فاصله‌ها و کم‌رنگ بودن نقش بازخوردهای هیجانی و ابزار عاطفی، تماس چشمی و در آغوش گرفتن است. درهم تنیدگی: برخلاف سبک زندگی رسمیت که حدود و مرزها غالب است و عواطف کم‌رنگ هستند در سبک زندگی درهم تنیدگی عواطف و هیجانات نقش غالب را ایفا می‌کنند و حدود و مرزها و قواعد و ارتباطات کم‌رنگ شده و یا از بین رفته‌اند و احترام و اقتدار کاهش می‌یابد. مقبولیت مشروط: در این سبک

نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. بدین‌صورت به مراکز آموزشی و توان‌بخشی ویژه کودکان با اختلال خودمانده تحت پوشش اداره آموزش و پرورش کودکان استثنایی شهر کرمانشاه مراجعه شد و همه والدین کودکان با اختلال خودمانده که تمایل به همکاری در پژوهش داشتند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که شامل ۱۰۰ والد (۵۰ پدر و ۵۰ مادر) بودند. برای انتخاب والدین کودکان عادی از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شد بدین‌صورت که فهرست مدارس ابتدایی شهر کرمانشاه تهیه‌شده و به‌طور تصادفی ۴ مدرسه ابتدایی (دو دخترانه و دو پسرانه) انتخاب شدند، با مراجعه به مدارس یاد شده به‌طوری تصادفی ۵۰ نفر از دانش‌آموزان که دامنه سنی آنان بین ۷-۱۲ سال بود انتخاب شدند و از والدین آن‌ها (۵۰ پدر و ۵۰ مادر) بودند خواسته شد تا در پژوهش شرکت کنند. والدین کودکان خودمانده به‌عنوان گروه هدف و کلیه والدین کودکان عادی به‌عنوان گروه مقایسه انتخاب گردید. معیار ورودی دربرگیرنده والدین نداشتن اختلال بدنی یا روان‌پزشکی و حداقل تحصیلات سواد خواندن و نوشتن والدین، جهت ملاحظات اخلاقی به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهند ماند. سپس فراخوانی که برای شرکت در پژوهش به خانواده‌های که فرزند آن‌ها در این مدارس مشغول به تحصیل بودند فرستاده شد و از آن‌ها خواسته شد در جلسه هماهنگی که در هرکدام از مدارس برگزار می‌شد شرکت نمایند. در ادامه پرسش‌نامه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و چگونگی پاسخگویی به سؤالات نیز به آن‌ها توضیح داده شد. درنهایت اطلاعات ۲۰۰ والد کودک خودمانده و عادی موردبررسی قرار گرفت. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### ابزار پژوهش

#### الف. مقیاس رضایت‌مندی زوجیت - افروز (Amss):<sup>۱</sup>

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مقیاس رضامندی زوجیت افروز، فرم ۱۱۰ سؤالی می‌باشد. این مقیاس جهت ارزیابی میزان رضایت همسران برای فرهنگ جامعه ایرانی توسط افروز (۱۳۸۹)، به نقل از افروز و قدرتی، (۱۳۹۰)، طراحی و سپس توسط (قدرتی و افروز، ۱۳۹۰) هنجاریابی شده است. روایی فرم کوتاه یادشده را نیز با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ برآورد کرد که در سطح (۰/۰۱) و با ۰/۹۹ درصد اطمینان همبستگی ۰/۴۳ را به دست آورد همچنین ضریب اعتبار با استفاده از آلفای کرونباخ برای فرم کوتاه ۰/۹۵ بود که نشان‌دهنده اعتبار مطلوب پرسشنامه می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۱۱۰ پرسش است که در مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم تهیه شده است. این سنجه دارای ده خرده مقیاس است که عبارت‌اند از: مطلوب اندیشی همسران، رضایت

۲. parent-child relation pattern Inventory

۱. Afroz Marital Satisfaction Scale

پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ را ۰/۹۶۱ و همچنین نمره جداگانه برای هر ۸ خرده مقیاس به کمک ضریب اعتبار آلفا کرونباخ گزارش کرده است مؤلفه‌های انعطاف‌ناپذیری، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت نازپروردگی، رسمیت، درهم تنیدگی، مقبولیت مشروط، رهایی، در پدران به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۷۸، ۰/۶۴، ۰/۷۴، ۰/۸۲، ۰/۵۹، ۰/۶۲ و در مادران به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۵۹، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۸، ۰/۷۸، ۰/۶۸، ۰/۶۱ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب اعتبار آلفا کرونباخ به‌طور جداگانه برای هر ۸ خرده مقیاس گزارش شده است مؤلفه‌های انعطاف‌ناپذیری، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت نازپروردگی، رسمیت، درهم تنیدگی، مقبولیت مشروط، رهایی، در پدران به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۷۵، ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۸، ۰/۶۹، ۰/۷۷ و در مادران به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۶۴، ۰/۷۲، ۰/۷۲، ۰/۷۵، ۰/۸۲، ۰/۷۶، ۰/۶۵ گزارش شده است. پایایی پرسشنامه به روش آلفا کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۷ به‌دست آمده است. همچنین روایی محتوایی آن مورد تأیید پنج نفر از اساتید روان‌شناسی قرار گرفت.

#### یافته‌ها:

در این بخش نخست اطلاعات جمعیت شناختی و توصیفی آزمودنی‌ها ارائه شد و سپس نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری بین دو گروه والدین کودکان خودمانده و عادی ارائه شده است.

زندگی مشروط کردن پذیرش فرزند مانع از بروز و بازنمایی تجربیات او می‌شود و نه تنها موجب کاهش اعتمادبه‌نفس فرزند به ارزشی بودن ارزش‌ها و باورها و قواعد زندگی‌اش می‌شود، حتی باعث قطع ارتباط فرزند با ارزش‌ها و باورهایش می‌شود و در ایجاد فعالیت‌های ناگزیر بر ارزش‌ها و نگرش‌های و درخواست‌های دیگران تکیه می‌کند. رهایی: در این سبک فرزندپروری والدین فرزندان را در مقابل انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و نحوه عملکرد آنان را کاملاً آزاد می‌گذارند و در نهایت همان تأثیر را بر حرمت و باورها خود فرزندان دارد که سبک زندگی مقبولیت مشروط دارد. (باقری، ۱۳۹۱). این پرسشنامه دارای ۴۸ سؤال در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظر خاصی ندارم = ۳، مخالفم = ۲ و کاملاً مخالفم = ۱) است. این پرسشنامه هر کدام از خرده مقیاس‌ها را با ۶ سؤال می‌سنجد. حداقل نمره در این آزمون ۶ و حداکثر نمره ۳۶ می‌باشد که نقطه برش آن نمره ۲۱ می‌باشد. اعتبار یابی این پرسشنامه در پژوهشی توسط (براتی، ۱۳۹۳) در تهران بر روی ۱۲۰ والدین (۶۰ مادر و ۶۰ پدر) که دارای فرزند در مدارس ابتدایی شهر تهران مشغول به تحصیل بودن با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انجام شده است. سپس فراخوانی که برای شرکت در پژوهش به خانواده‌های که فرزندشان در مدرسه مشغول به تحصیل فرستاده شد و از آن‌ها خواسته شد در جلسه هماهنگی در مدرسه محل تحصیل فرزندشان برگزار می‌شد شرکت نمایند. در ادامه پرسش‌نامه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و چگونگی پاسخگویی به سؤالات نیز به آن‌ها توضیح داده شد. نمره پایایی کل

۶. Raya, Ruiz-Olivares, Pino & Herruzo

۷. Singer

### جدول ۱. شاخص‌های جمعیت شناختی والدین کودکان خودمانده و عادی

تخصیلات والدین	والدین کودک عادی		والدین کودک خودمانده	
	مادر	پدر	مادر	پدر
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۱۴	۰/۲۸	۶	۰/۱۲
دیپلم	۲۲	۰/۴۴	۲۳	۰/۴۸
کاردانی و بالاتر	۱۴	۰/۲۸	۲۱	۰/۴۰
سن (سال)				
۳۰-۲۰	۱۴	۰/۲۸	۰	۰/۰
۴۰-۳۱	۳۴	۰/۶۸	۲۶	۰/۵۲
۵۰-۴۱	۲	۰/۰۴	۲۴	۰/۴۸
اشتغال والدین				
کارمند	۱۴	۰/۲۸	۶	۰/۱۲
آزاد	۳۲	۰/۶۴	۴۰	۰/۸۰

			۰/۸۸	۴۴		۰/۷۲	۳۶	خانه دارد
۰/۴۸	۲۴	۰/۲۲	۱۱	۰/۱۶	۳	۰/۰	۰	بله
۰/۵۲	۲۶	۰/۷۸	۳۹	۰/۹۴	۴۷	۰/۵۰	۵۰	خیر
۰/۵۰		۵۰		۰/۲۶		۲۶		بله
۰/۵۰		۵۰		۰/۷۴		۷۴		خیر

## جدول ۲. نمرات رضایت زناشویی والدین کودکان عادی و کودکان خودمانده

خرده مقیاس‌های رضامندی زوجیت	والدین دارای کودک طیف خودمانده				والدین دارای کودک عادی			
	مادر		پدر		مادر		پدر	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
مطلوب اندیشی	۷/۰۲	۳۷/۷۰	۶/۹۵	۳۰/۱۳	۶/۶۹	۳۵/۹۰	۵/۱۳	۳۷/۵۱
رضایت زناشویی	۶/۹۰	۳۱/۲۵	۶/۸۲	۲۷/۱۵	۶/۴۸	۳۱/۸۰	۴/۵۴	۳۳/۷۹
رفتارهای شخصی	۱۱/۳۸	۵۰/۱۷	۱۰/۵۳	۵۳/۷۱	۱/۰۹	۵۹/۹۰	۸/۹۱	۶۳/۵۹
رفتارهای ارتباطی و اجتماعی	۶/۹۱	۲۸/۶۱	۶/۴۶	۲۹/۷۹	۷/۰۰	۳۵/۲۴	۵/۱۵	۳۶/۹۹
روش حل مسئله	۴/۷۵	۲۰/۶۲	۴/۲۱	۲۱/۶۲	۴/۶۹	۲۵/۲۷	۳/۵۸	۲۶/۴۱
امور مالی و اقتصادی	۵/۴۳	۲۵/۵۸	۵/۶۲	۲۴/۸۶	۵/۰۵	۲۹/۳۹	۴/۰۱	۳۰/۲۷
احساس و رفتار مذهبی	۵/۱۷	۲۱/۷۴	۴/۷۴	۲۱/۹۰	۴/۷۵	۲۵/۹۸	۳/۷۰	۲۶/۸۶
روش فرزندپروری	۵/۳۳	۲۱/۱۹	۵/۳۷	۲۱/۷۸	۵/۴۱	۲۵/۸۲	۴/۰۸	۲۷/۵۹
اوقات فراغت	۶/۰۷	۲۶/۵۲	۶/۰۲	۲۶/۸۶	۵/۸۶	۳۱/۸۰	۴/۷۸	۳۳/۵۷
تعطل احساسی (کلامی و بصری)	۸/۴۸	۳۴/۷۹	۷/۸۹	۳۷/۶۰	۸/۹۷	۴۳/۰۶	۶/۶۷	۴۶/۰۲

داده‌ها نشان دادند که توزیع داده‌ها نرمال است. آزمون باکس ( $P > 0.05$ )،  $F_{(8, 165)} = 1.52$ ،  $F_{(8, 165)} = 1.02/26$ ،  $Box's M =$  نشان داد که ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته در بین گروه‌ها همگن است.

با توجه به آنکه متغیرهای وابسته در این پژوهش بیش از یک متغیر بوده، برای تحلیل اثر گروه و نوع والد از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شده، قبل از اجرای تحلیل واریانس چند متغیری باید از رعایت مفروضه‌ها مطمئن باشید که ابتدا مفروضه‌ها بررسی شد و با توجه به رعایت مفروضه‌ها نتایج تحلیل گزارش می‌گردد نرمال بودن توزیع داده‌ها بر اساس آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد و تحلیل

## جدول ۳. اثرات بین آزمودنی گروه و جنسیت والد بر رضایت زناشویی والدین

منبع اثر	متغیر وابسته	مجموع مجنورت	درجه آزادی	میلگین مجنورت	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
	مطلوب اندیشی	۳۰۳۵/۴۴	۱	۳۰۳۵/۴۴	۷۲/۱۵	$P < 0.01$	۰/۲۷
	رضایت زناشویی	۲۱۵۳/۰۱	۱	۲۱۵۳/۰۴	۵۵/۱۴	$P < 0.01$	۰/۲۲
	رفتارهای شخصی	۴۸۰۳/۹۰	۱	۴۸۰۳/۹۰	۴۳/۴۷	$P < 0.01$	۰/۱۸
	رفتارهای اجتماعی	۲۳۸۹/۱۲	۱	۲۳۸۹/۱۲	۵۸/۱۲	$P < 0.01$	۰/۲۳
گروه	حل مسئله	۱۱۱۴/۶۸	۱	۱۱۱۴/۶۸	۵۹/۵۵	$P < 0.01$	۰/۲۳
	امور مالی و اقتصادی	۱۰۶۲/۹۰	۱	۱۰۶۲/۹۱	۴۱/۵۳	$P < 0.01$	۰/۱۷
	احساس و رفتار مذهبی	۱۰۵۸/۳۳	۱	۱۰۵۸/۳۳	۴۹/۶۸	$P < 0.01$	۰/۲۰
	فرزندپروری	۱۳۵۵/۹۶	۱	۱۳۵۵/۹۶	۵۲/۷۰	$P < 0.01$	۰/۲۱
	اوقات فراغت	۱۷۹۵/۰۱	۱	۱۷۹۵/۰۱	۵۵/۲۲	$P < 0.01$	۰/۲۲

۰/۲۲	P<۰/۰۱	۵۳/۷۹	۳۴۸۰/۸۰	۱	۳۴۸۰/۸۰	تعامل احساسی
------	--------	-------	---------	---	---------	--------------

نتایج تحلیل اثر بین آزمودنی نشان می‌دهد که بین دو گروه والدین کودک عادی و والدین کودک خودمانده از نظر خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به جدول (۲) معلوم می‌شود که نمره گروه والدین کودک عادی در تمام خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی نسبت به والدین کودک خودمانده بیشتر است. در ادامه برای بررسی اثر نوع والدین بر سبک فرزندپروری از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. قبل از گزارش نتایج اثر این تحلیل مشخصات توصیفی سبک فرزندپروری به تفکیک گروه و نوع والد می‌آید.

#### جدول ۴. نمرات سبک فرزندپروری والدین کودکان عادی و کودکان خودمانده

سبک فرزندپروری	والدین دارای کودک عادی				والدین دارای کودک طیف خودمانده			
	مادر		پدر		مادر		پدر	
	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
انعطاف‌ناپذیری	۴/۳۹	۱۶/۰۹	۴/۱۶	۱۶/۴۳	۴/۲۵	۱۸/۴۹	۵/۱۱	۱۶/۹۲
تزلزل/تشتت	۴/۴۱	۱۵/۴۱	۳/۹۱	۱۵/۲۲	۳/۹۹	۱۸/۱۲	۴/۳۸	۱۶/۳۴
کنترل/محدودیت	۴/۱۰	۱۵/۸۸	۴/۴۳	۱۶/۲۹	۳/۹۵	۱۷/۶۵	۴/۴۹	۱۸/۵۸
نازپروردگی	۳/۶۲	۱۸/۱۰	۳/۳۱	۱۸/۲۲	۴/۳۳	۱۸/۷۸	۴/۶۶	۱۸/۷۲
رسمیت	۳/۳۴	۱۴/۱۰	۳/۷۰	۱۴/۸۶	۴/۵۱	۱۶/۹۸	۵/۱۷	۱۷/۰۵
درهم تنیدگی	۴/۳۸	۱۳/۰۴	۳/۹۹	۱۳/۳۹	۴/۷۰	۱۵/۷۷	۵/۴۱	۱۶/۸۴
مقبولیت مشروط	۳/۶۱	۱۶/۱۰	۳/۴۳	۱۵/۸۶	۴/۴۰	۱۷/۰۲	۵/۲۵	۱۷/۱۶
رهایبی	۲/۹۶	۱۶/۳۵	۲/۹۹	۱۶/۴۷	۴/۲۸	۱۸/۳۷	۴/۷۸	۱۸/۶۲

بررسی تفاوت میانگین گروه‌ها در خرده مقیاس‌های سبک‌های فرزندپروری، نشان داد که نمره والدین کودکان عادی در تمام این خرده مقیاس‌ها پایین‌تر از نمره والدین کودکان خودمانده بود. در ادامه جهت تحلیل واریانس چند متغیری ابتدا مفروضه‌ها بررسی شد. آزمون باکس همگنی ماتریس کوواریانس‌ها را تأیید کرد ( $P > 0.05$ ,  $F_{85219.1, 10.8/32} = 0.92$ ,  $Box's M = 40.45$ ).

#### جدول ۵. اثرات بین آزمودنی گروه و جنسیت والد بر سبک فرزندپروری

منبع اثر	متغیر وابسته	مجموع مجنورت	درجه آزادی	میلگین مجنورت	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
انعطاف‌ناپذیری	۱۰۵/۱۶	۱	۱۰۵/۱۶	۵/۲۰	P<۰/۰۱	۰/۰۳	
تزلزل/تشتت	۱۸۲/۷۳	۱	۱۸۲/۷۳	۱۰/۴۴	P<۰/۰۱	۰/۰۵	
کنترل/محدودیت	۲۰۶/۳۷	۱	۲۰۶/۳۷	۱۱/۴۵	P<۰/۰۱	۰/۰۶	
نازپروردگی	۱۷/۳۳	۱	۱۷/۳۳	۱/۰۷	P>۰/۰۵	۰/۰۱	
رسمیت	۳۲۱/۹۳	۱	۳۲۱/۹۳	۱۷/۹۳	P<۰/۰۱	۰/۰۸	
درهم تنیدگی	۴۷۷/۷۷	۱	۴۷۷/۷۷	۲۲/۰۹	P<۰/۰۱	۰/۱۰	
مقبولیت مشروط	۶۱/۹۹	۱	۶۱/۹۹	۳/۴۶	P>۰/۰۱	۰/۰۲	
رهایبی	۲۱۷/۹۲	۱	۲۱۷/۹۲	۱۴/۸۱	P<۰/۰۱	۰/۰۷	

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس بین دو گروه والدین کودک عادی و والدین کودک خودمانده در خرده مقیاس‌های انعطاف‌ناپذیری، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت، رسمیت، درهم تنیدگی و رهایبی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. نمره والدین کودکان عادی در این خرده مقیاس‌ها پایین‌تر از نمره والدین کودکان خودمانده بود؛ اما در خرده مقیاس‌های نازپروردگی و مقبولیت مشروط در دو گروه تفاوت معنی‌داری نداشت.

#### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف مقایسه رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین کودک خودمانده و کودک عادی انجام شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد، بین والدین کودک خودمانده و کودک عادی در خرده مقیاس‌های رضامندی زوجیت که عبارت از رضایت زناشویی، مطلوب اندیشی، رفتارهای شخصی، رفتارهای اجتماعی، حل مسئله، امور مالی و اقتصادی، احساس و رفتار مذهبی، فرزندپروری، اوقات فراغت

و تعامل احساسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری، انعطاف‌ناپذیری، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت، رسمیت، در هم تنیدگی و رهایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. درحالی‌که در خرده مقیاس‌های، نازپروردگی و مقبولیت مشروط بین این دو گروه هیچ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در نتیجه پژوهش همسو است با (صمدی، مک‌کانکی و کلی، ۲۰۱۳؛ لئو، پیترسون، آتوود و همکاران، ۲۰۱۶ برجیس حکیم جوادی و همکاران، ۱۳۹۲؛ قاسم‌زاده؛ ۱۳۹۲)؛ اما با پژوهش (آلتایر و فون کلوژ، ۲۰۰۹ و سنایی، ۱۳۹۲)، نشان دادند که اغلب والدین کودک خودمانده، سطح رضایت‌مندی مناسبی از زندگی زناشویی خود داشتند و عملکردهای خانوادگی آن‌ها نیز در سطح مطلوب و مناسبی بود غیرهمسو است. والدین کودک خودمانده نسبت به والدین کودک عادی رضایت زناشویی ضعیف‌تری دارند، وجود کودک خودمانده با توجه به ابهامات زیادی که در خصوص این اختلال وجود دارد به‌عنوان یک منبع فشارزا برای والدین محسوب می‌شود و طبق پیشینه مطالعاتی واکنش اولیه اکثر والدین هنگام تشخیص خودمانده در کودکان نشان به‌صورت انکار، عدم پذیرش، ناباوری، سردرگمی، احساس خشم، احساس گناه، علائم افسردگی به‌صورت گریه‌های مداوم، ناامیدی، از دست دادن علایق و کاهش اعتمادبه‌نفس بوده است (چیمه، پور اعتمادی و خرم‌آبادی، ۱۳۸۶). همه این موارد باعث می‌شود والدین کودکان خودمانده استرس بیشتری را تجربه کنند و استرس بیشتر هم موجب رضایت زناشویی ضعیف می‌شود. تقریباً اکثر مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد رضایت زناشویی می‌تواند باعث بهبود تعاملات کل اعضای خانواده شده و مشکلات رفتاری مربوط به فرزندان را کاهش دهد. والدین کودکان خودمانده از رضایت زناشویی کمتری نسبت به والدین کودکان عادی برخوردارند. بر اساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد والدین کودک عادی نظر مساعدی نسبت به کارگیری شیوه‌های انضباطی انعطاف‌ناپذیری، محدودکننده، تزلزل، رسمیت، درهم تنیدگی و رهایی ندارد و باوجود اعتقاد داشتن به حداقلی از کنترل و سخت‌گیری که به‌عنوان اهرم بازدارنده کودک از رفتارهای انحرافی عمل می‌کند. معتقدند که به کودک باید فرصت داد تا به‌منظور کسب کفایت بین فردی، محیط اطراف را کندوکاو کنند، به همین دلیل آنان به آزادی کودک در چارچوب قواعد تعیین‌شده احترام می‌گذارند. آنان برای رفتارهای منضبط و اقتدار اعتبار قائل‌اند و هم اقتدار غیرمنطقی که ناشی از میل بزرگسال به تسلط بر کودک است را نفی می‌کند. چنانچه نتایج نشان داد شیوه فرزندپروری، انعطاف‌ناپذیر، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت، رسمیت، در هم تنیدگی و رهایی بین والدین کودکان خودمانده بیشتر از والدین کودکان عادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد این والدین به شیوه‌های خشن انضباطی، پیروی از بی‌چون‌وچرا کودک و تنبیه قهرآمیز در برابر اشتباهات اهمیت بیشتری قائل هستند. در تبیین احتمالی نتایج این پژوهش مبنی بر تفاوت رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری انعطاف‌ناپذیری، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت، رسمیت، در هم تنیدگی و رهایی در دو گروه والدین کودکان خودمانده و عادی می‌توان چنین بیان کرد که در انتخاب یک سبک فرزندپروری مؤلفه‌های بسیاری چون توانایی شناختی، مهارت اجتماعی، سلامت روان (عملکرد اجتماعی) و عزت‌نفس اثرگذار است حال آنکه کودکان خودمانده در بسیاری از این مؤلفه‌ها دچار نقص هستند به‌بیان‌دیگر رفتارهای عاطفی غیرمعمول مانند اختلال در پردازش اطلاعات اجتماعی و حساس نبودن به محرک‌های اجتماعی می‌تواند رابطه والد-فرزند را به چالش بکشد (پلوگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). برای مثال هنگامی کودک با اختلال خودمانده به بوسه زدن و آغوش کشیدن والدین واکنش منفی را نشان می‌دهد، در حقیقت حمایت اجتماعی خود را از دست می‌دهد و به‌نوعی در رفتار والدین تغییر ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که از میزان ابراز عواطف والدین نسبت به فرزندانشان کمتر می‌شود و در عوض انعطاف‌ناپذیری و کنترل افراطی جایگزین آن می‌شود که این همان سبک فرزندپروری استبدادی است؛ زیرا این سبک فرزندپروری حاصل کنترل، انعطاف‌ناپذیری، رسمیت و درهم تنیدگی بالا و محبت پایین است. در تبیین احتمالی دیگر برای نتایج این پژوهش می‌توان به‌نوعی نگرش افراد به ناتوانی به‌عنوان یک عامل اثرگذار در رابطه والد-فرزند اشاره کرد. در واقع تولد فرزند در خانواده یک فرآیند آرمانی محسوب می‌شود که در آن والدین انتظار فرزندی را دارند تا بتواند او را آن‌گونه که مدنظر دارد تربیت کند و او را در راستای اهداف خویش به موفقیت برساند. حال اگر فرزندی که متولد می‌شود دارای ناتوانی باشد، از همان ابتدا تأثیر نامطلوبی بر خانواده و اعضای آن می‌گذارد. یکی از این اثرات نامطلوب عدم رضایت زناشویی و اتخاذ شیوه فرزندپروری نامناسب است که والدین این کودک خودمانده به دلیل عدم مهارت و دانش ناکافی در رویارویی با چنین شرایطی اغلب دست به انتخاب نامناسب‌ترین سبک فرزندپروری می‌زنند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر تفاوت در رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری در دو گروه والدین

۱. Samdi, Mc Conkey & Kelly

۲. Lau, Peterson, Attwood, Garnett & Kelly

۳. Altieri & von Kluge

۴. Ploog

کودک خود مانده و کودک عادی می‌توان بیان کرد که کودک عادی به سبب مهارت کافی در نظریه ذهن توانایی پیش‌بینی درخواست‌های والدین و پیامدهای مرتبط با آن را دارند در واقع برخوردار بودن از نظریه ذهن به معنای داشتن یک توانایی حیاتی برای برقراری تعامل با دیگران است. افزون بر این توانایی می‌تواند تعامل والد-فرزند را تحت تأثیر قرار دهد. در تأیید این موضوع پژوهش‌های مختلف نیز نشان داده‌اند که بین سبک فرزندپروری اقتدارگرا و نظریه ذهن یک رابطه مثبت وجود دارد (اریلی و پیترسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). افزون بر این افراد عادی با توجه به برخورداری بودن از توانایی شناختی مناسب می‌تواند قوانین والدین را به موقعیت‌های مختلف تعمیم دهند و آن را به کاربند که نتیجه چنین وضعیتی سبب تقویت رابطه والد-فرزند می‌شود. در تبیین دیگر این پژوهش مبنی بر عدم تفاوت در مؤلفه‌های نازپروردگی و مقبولیت مشروط در دو گروه والدین کودک خود مانده و عادی می‌توان چنین عنوان کرد که با توجه به اینکه والدین کودک عادی برای تربیت درست و موفقیت و پیشرفت فرزند خود می‌کوشد از سبک فرزندپروری انعطاف‌پذیر، مقبولیت بدون مشروط استفاده کنند در صورتی که والدین کودک خودمانده به‌منظور کنترل و مدیریت رفتارهای فرزند خود به‌زور متوسل می‌شوند از سبک فرزندپروری محدودیت، رسمیت، انعطاف‌ناپذیر، درهم تنیدگی و رهایی استفاده می‌کنند و بر این اساس هیچ‌کدام از والدین از سبک فرزندپروری نازپروردگی و مقبولیت مشروط استفاده نمی‌کنند. به‌طور خلاصه یافته‌های این پژوهش نشان داد که والدین کودک خود مانده بیشتر از سبک فرزندپروری انعطاف‌ناپذیر، تزلزل/تشتت، کنترل/محدودیت، رسمیت، در هم تنیدگی و رهایی استفاده می‌کنند که هم برای والدین و هم برای فرزند دارای پیامدهای بسیار منفی است؛ بنابراین طراحی و اجرای برنامه‌هایی برای افزایش دانش و آگاهی والدین کودکان خودمانده در مورد رضایت زناشویی و انواع سبک‌های فرزندپروری و اثرات هر کدام از آن‌ها بر فرزندان و رابطه والد-فرزند بسیار ضروری است. هرچند سعی شده بود محدودیت‌ها و مشکلات موجود در فرآیند اجرا کنترل شود با این حال با توجه به ابزار مورداستفاده در این پژوهش به روش خود گزارش دهی بوده و احتمال دارد پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان آن قدر روا نباشد و همراه با سوگیری باشد و دقیقاً منعکس‌کننده ویژگی‌های واقعی آن‌ها نباشد. شایان ذکر است این پژوهش در مورد والدین کودک خودمانده و عادی در شهر کرمانشاه انجام شد، بنابراین نتایج آن فقط به همین جامعه قابل تعمیم است. به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود به انجام پژوهش در زمینه‌ی مقایسه رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین کودک خود مانده و عادی در سایر استان‌های دیگر کشور اقدام کنند. با توجه به نتایج پژوهش که نشان داد که حضور کودک خودمانده در خانواده به‌نوعی می‌تواند کیفیت روابط رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین را متأثر کند. پیشنهاد می‌شود خدمات حمایتی و برنامه‌های آموزشی در راستای بهبود و ارتقای کیفیت روابط رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین دارای کودک خودمانده تدوین و ارائه شود؛ و همچنین با توجه به اهمیت بسیار زیاد رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری بر رشد کودکان، آموزش رضایت زناشویی و معرفی انواع سبک فرزندپروری به والدین کودکان خودمانده در رأس برنامه متولیان تربیتی قرار بگیرد.

### تشکر و قدردانی

با سپاس فراوانی از والدین گرامی که در انجام این پژوهش نهایت همکاری را به عمل آوردند.

### منابع

- باقری، فریبرز (۱۳۹۱). الگوی ارتباط والد-فرزند مدل نظری فرزندپروری بر مبنا هستی و انسان‌شناس اسلامی، فصلنامه اندیشه ورزی در معارف اسلامی شماره ۵، ویژه زمستان
- براتی، منتظره. (۱۳۹۳). مقایسه تاب‌آوری و ناگویی هیجانی در الگوی ارتباط والد-فرزند تعالی و غیر تعالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات
- برجیس، مریم و حکیم جواد، منصور و طاهر، محبوبه و غلامعلی لوانسانی، مسعود و حسین زاده مسعود. (۱۳۹۲). مقایسه میزان نگرانی، امید و معنا زندگی در مادران کودکان مبتلا به درخودمانده ناشنوایی و ناتوانی یادگیری، مجله ناتوانی‌های یادگیری، ۳ (۱)، ۶-۲۷
- چیمه، نرگس و پور اعتمادی، حمیدرضا و خرم‌آبادی، راضیه. (۱۳۸۶). بررسی مشکلات و نیازهای مادران کودکان مبتلا به اختلال اوتیستیک، یک پژوهش کیفی. فصلنامه خانواده‌پژوهش، ۲(۶)، ۱۰۵-۱۲۰
- سنایی مهر، مجیب. (۱۳۹۲). بررسی سلامت روانی و رضایت زناشویی در والدین کودکان اوتیستیک با والدین کودکان عادی شهر قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
- قاسم‌زاده، سوگند. (۱۳۹۲). طراحی برنامه بهبود بخشی روابط درون‌خانوادگی و ارزیابی اثربخشی آن بر رضامندی زوجیت، مهارت‌های فرزندپروری والدین و نشانه‌های بالینی اختلال رفتاری فرزندان، رساله دکتری دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

<sup>۱</sup> O'Reilly & Peterson



- قدرتی، مهدی و افروز، غلامعلی. (۱۳۹۰). ساخت و هنجاریابی مقیاس رضایت‌مندی زوجیت همسران افروز، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، (۴۱)، ۹-۱
- Altiere, M. J., & von Kluge, S. (۲۰۰۹). Family functioning and coping behaviors in parents of children with autism. *Journal of Child and Family Studies*, ۱۸(۱), ۸۳-۹۲
- American Psychiatric Association. (۲۰۱۳). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*. ۵<sup>th</sup> ed Va, american psychiatric association
- Aslan, S. (۲۰۱۱). The analysis of relationship between schools bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۳۰, ۱۷۹۸-۱۸۰۰
- Bartholomeu, D., Montiel, J. M., Fiamenghi, G. A., & Machado, A. A. (۲۰۱۶). Predictive Power of Parenting Styles on Children's Social Skills. *SAGE Open*, ۶(۲), ۱-۷
- Fredrika M. Miranda-Linne (۲۰۱۱). *Individuals with Autism Spectrum Disorders*. Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy in Clinical Psychology presented at Uppsala University
- Giallo, R., Seymour, M., Matthews, J., Gavidia-Payne, S., Hudson, A., Cameron, C. (۲۰۱۴). Risk factors associated with the mental health of fathers of children with an intellectual disability in Australia. *Journal of Intellectual Disability Research*. ۱-۱۵.
- Hedda, m. James Hallie, w. Aaron Ebate, t. (۲۰۱۰). Families with children who have autism spectrum disorder: stress and support. *Journal of social science*, ۷۷ (۱), ۷-۱۲
- Hudry, K., Aldred, C., Wigham, S., Green, J., Leadbitter, K., Temple, K & PACT Consortium. (۲۰۱۳). Predictors of parent-child interaction style in dyads with autism. *Research in developmental disabilities*, ۳۴(۱۰), ۳۴۰۰-۳۴۱۰.
- Lau, W. Y. P., Peterson, C. C., Attwood, T., Garnett, M. S., & Kelly, A. B. (۲۰۱۶). Parents on the autism continuum: Links with parenting efficacy. *Research in Autism Spectrum Disorders*, ۲۶, ۵۷-۶۴.
- M.R., Rai, D & Magnusson, C. (۲۰۱۲). brief report: مقایسه رضایت زناشویی و سبک فرزندپروری والدین کودک خودمانده و کودک عادی in disorder: *Journal of Autism and Developmental Disorders*, ۴۲, (۹), ۲۰۰۰-۲۰۰۵
- O'Reilly, J., & Peterson, C. C. (۲۰۱۴). Theory of mind at home: linking authoritative and authoritarian parenting styles to children's social understanding. *Early child development and care*, ۱۸۴(۱۲), ۱۹۳۴-۱۹۴۷
- Ozturk, Y., Riccadonna, S., Venuti, P. (۲۰۱۴). Parenting dimensions in mothers and fathers of children with Autism Spectrum Disorders. *Research in Autism Spectrum Disorders*, ۸, ۱۲۹۵-۱۳۰
- Ploog, B. O. (۲۰۱۰). Stimulus overselectivity four decades later: A review of the literature and its implications for current research in autism spectrum disorder. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, ۴۰(۱۱), ۱۳۳۲-۱۳۴
- Raya, A. F., Ruiz-Olivares, R., Pino, J., & Herruzo, J. (۲۰۱۳). Parenting Style and Parenting Practices in Disabled Children and its Relationship with Academic Competence and Behaviour Problems. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۸۹, ۷۰۲-۷۰۹
- Rubens, J. D. (۲۰۰۹). Effects of contextual influences on stress level for caregivers of children diagnosed with autism, *Doctoral Dissertation*. Retrieved from Retrieved from ProQuest LLC
- Samdi, S.A., Mc Conkey, R., & Kelly, G. (۲۰۱۳). Enhancing parental well-being and coping through a family centred short course for Iranian parent of children with an autism spectrum disorder. *Autism*, ۱۷, (۱), ۲۷-۴۳
- Schieve L.A., Blumberg S.J., Rice C., Visser S.N., Boyle C. (۲۰۰۷). The relationship between autism and parenting stress. *pediatric*, ۱۰۱(۴)-۱۲۱
- Singer, G. H. S. (۲۰۰۶). Meta-analysis of comparative studies of depression in mothers of children with and without developmental disabilities. *American Journal on Mental Retardation*, ۱۱۱, ۱۵۵-۱۶۹
- Tyzio, R., Nardou, R., Ferrari, D., Tsintzas, T., Shahrokhi, A., Eftekhari, S., & Benri, Y. (۲۰۱۴). Oxytocin mediated GABA inhibition during delivery attenuates autism pathogenesis in Rodent offspring. *science*, (۳۴۳), ۶۷۵-۶۷۹
- Yousefi, Sh., Soltanifar, A., & Abdollahian, E. (۲۰۱۱). Parenting stress and parenting styles in mothers of ADHD with mothers of normal children, *Social and Behavioral Sciences*, ۳۰, ۱۶۶۶ - ۱۶۷۱.

## Comparison of Satisfaction marriage and parenting style of parents of children with Autism Spectrum Disorder and normal children

Jabar Saleh<sup>۱</sup>

Keivan Kakabarae<sup>۲\*</sup>

Gh. Ali Afrooz<sup>۳</sup>

Masoud Gholamali lavasani<sup>۴</sup>

### Abstract

**Aim:** The present study was conducted with the aim of comparing the Marriage satisfaction and parenting style of the Children with autism spectrum disorder and the normal children. **Methods:** The present study was objectively practical and information gathering was Causal-comparative. The statistical population included all parents of Children with autism spectrum disorder and the parents of normal children whose children were enrolling in elementary schools in Kermanshah in ۲۰۱۶. Parents of Children with autism spectrum disorder (۵۰ fathers and ۵۰ mothers) were selected through Purposive sampling and Parents of normal children (۵۰ fathers and ۵۰ mothers) were selected by multi-stage random sampling. The research instruments were Afrooz Marriage Satisfaction Scale and Bagheri parent-child relation pattern Inventory. **Results:** The results were obtained from multivariate analysis of variance. They showed that there were significant differences between two groups of parents of normal children and parents of children with autism spectrum in all sub-scales of marriage satisfaction and parenting style Except for over indulge and conditional acceptance **Conclusion:** Considering the difference between marriage satisfaction and parenting style in two groups, designing and implementing a parenting style and marriage satisfaction educational program is necessary for young couples to prevent the birth of Children with autism spectrum disorder. **Keywords:** parenting style, marriage satisfaction, normal children parents and parents of children with autism.

<sup>۱</sup> PhD student In Exceptional Children Psychology. Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, Iran.

<sup>۲</sup> Assistant Professor of Psychology, of Kermanshah, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author. Email: keivan\_k۷۶@yahoo.com)

<sup>۳</sup> Distinguished Professor of exceptional Psychology, University of Tehran; Iran.

<sup>۴</sup> Associate Professor Educational Psychology .University of Tehran. Iran.